

نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال

جهاندوست سبزلعلیپور^{۱*}، راحله ایزدی‌فر^۲

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان، همدان، ایران

پذیرش: ۹۲/۶/۶

دریافت: ۹۲/۱/۲۱

چکیده

زبان تاتی از جمله زبان‌هایی است که از میان شیوه‌های رایج در بین زبان‌های جهان برای نمایش روابط دستوری، از شیوه «حالت‌نمایی» و «نشاندن کردن وابسته‌ها» در کنار شیوه‌های دیگری همچون «مطابقه» استفاده می‌کند. این زبان یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که گونه‌های مختلف آن در برخی روستاها و شهرهای استان‌های اردبیل، قزوین، زنجان و گیلان به صورت جزیره‌های زبانی به حیات خود ادامه می‌دهند. گونه مورد بررسی در این مقاله، دروی (dərav-i) تاتی مورد تکلم در روستای درو، از توابع شاهرود خلخال است. هدف از این پژوهش، بررسی نظام حالت‌نمایی در این گونه است. با وجود ویژگی‌های کهن این گونه زبانی، تاکنون تحقیقی در مورد نظام حالت‌نمایی آن انجام نشده است؛ درحالی‌که این گونه، به علت مهاجرت بسیار زیاد نسل جوان به شهرهای اطراف و عدم انتقال به نسل بعدی، از زبان‌هایی است که بسیار در معرض خطر فراموشی قرار دارد.

واژگان کلیدی: زبان تاتی، حالت‌نمایی، گونه تاتی دروی، فاعلی-مفعولی، کنایی-مطلق.

۱. مقدمه

حالت‌نمایی یکی از روش‌های مورد استفاده در زبان‌های مختلف، برای نشان دادن ارتباط نحوی میان عناصر جمله است. حالت به نظام نشان دادن اسم‌های وابسته برای نوع رابطه‌ای که با هسته خود دارند اطلاق می‌شود و برای نشان دادن رابطه یک اسم با فعل در سطح بند



یا رابطه‌ی یک اسم با حرف اضافه یا اسمی دیگر در سطح گروه به کار می‌رود. در این مقاله به بررسی نظام حالت‌نمایی در گونه‌ی دروی (dərav-i) زبان تاتی می‌پردازیم. با وجود ویژگی‌های کهن این گونه‌ی زبانی، تاکنون تحقیق جامعی در مورد نظام حالت‌نمایی آن انجام نشده است؛ درحالی‌که این گونه‌ی زبانی که در روستای درو، از توابع بخش شاهرود خلخال، رایج است، به دلیل مهاجرت زیاد نسل جوان آن به شهرهای اطراف و منتقل نشدن به نسل بعدی، از زبان‌هایی است که در معرض خطر فراموشی قرار دارد.

پرسش این مقاله این است که گونه‌ی دروی زبان تاتی از چه روشی برای نشان دادن رابطه‌ی نحوی میان عناصر جمله استفاده می‌کند و آیا تنها یک نظام حالت‌نمایی در همه‌ی جملات این زبان استفاده می‌شود؟

فرضیه‌ی پژوهش این است که این گونه تا حد زیادی از هجوم زبان‌های دیگر در امان مانده و کمتر از گونه‌های شهری دستخوش تغییرات حاصل از تماس زبانی شده است؛ بنابراین ویژگی‌های کهن زبان‌های ایرانی، از جمله نظام حالت‌نمایی متمایز براساس زمان دستوری فعل را تا حد زیادی حفظ کرده است.

روش پژوهش و گردآوری داده‌ها، مصاحبه با گویشوران این گونه‌ی زبانی^۱ و گردآوری جملات کامل زبانی است و از منابع کتابخانه‌ای نیز در مورد گونه‌های دیگر زبان تاتی برای بررسی بیشتر استفاده کردیم.

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است؛ پس از مقدمه، در بخش دوم پیشینه‌ی مطالعات پیرامون نظام حالت‌نمایی را مرور می‌کنیم، در بخش سوم سیر تاریخی حالت‌نمایی در زبان‌های ایرانی دوره‌های باستان و میانه را بررسی می‌کنیم، در بخش چهارم به بررسی نظام حالت‌نمایی در زبان تاتی می‌پردازیم و در بخش پنجم از مباحث نتیجه می‌گیریم.

۲. پیشینه‌ی مطالعات

در این بخش، نخست به مرور مهم‌ترین مطالعات پیرامون نظام حالت‌نمایی می‌پردازیم و سپس، حالت‌های مهم مورد استفاده در زبان‌های جهان را معرفی می‌کنیم.

زبان‌های دنیا ارتباط نحوی فعل جمله و گروه‌های اسمی را با روش‌های مختلفی نشان می‌دهند که اصلی‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. حالت‌نمایی^۲ گروه‌های اسمی مربوطه؛ ۲.

الگوهای مطابقه‌ای^۳ که در اثر روابط نحوی بین فعل و موضوع‌های آن به وجود می‌آید و بر فعل حاکم نمود می‌یابد و ۳. جایگاه گروه‌های اسمی^۴ درون بند یا جمله (Haig, 2010: 251). کمتر پیش می‌آید که یک زبان تنها از یکی از این روش‌ها استفاده کند و بیشتر زبان‌ها از ترکیبی از این روش‌ها برای نشان دادن رابطه بین عناصر جمله بهره می‌برند.

حالت به نظام نشان دادن اسم‌های وابسته برای نوع رابطه‌ای که با هسته دارند اطلاق می‌شود (Blake, 2004: 1). در سطح بند یا جمله، وابسته‌های فعل شامل موضوع‌های وابسته به ظرفیت فعل و افزوده‌های غیر وابسته به ظرفیت فعل هستند. همه این وابسته‌ها ممکن است با استفاده از حالت‌نماها نشان داده شوند (Primus, 2011: 303).

مثال ۱ که از زبان ترکی است، نظام حالت متشکل از ۶ حالت دارد. در این جمله سه اسم

دارای نشانه حالت وجود دارد (Blake, 2004: 1):

1) Mehmet adam-a elma-lar-È ver-di.
Mehmet:NOM man-DAT apple-PL-ACC give-Past:3SG
'Mehmet gave the apples to the man.'

در مثال ۱، پسوند È- نشانه حالت مفعولی است و نشان می‌دهد که اسم elmalar مفعول مستقیم فعل ver-di از مصدر vermek (دادن) است و حالت مفعولی^۵ دارد. پسوند a- نشان می‌دهد که اسم adam مفعول غیر مستقیم است و حالت برایی^۶ (به‌ای) دارد. اسم Mehmet نیز بدون نشانه به کار رفته است و حالت فاعلی^۷ دارد و فاعل جمله به شمار می‌رود. زبان ترکی از زبان‌هایی است که از نظام حالت‌نمایی فاعلی- مفعولی^۸ پیروی می‌کنند. در این نظام حالت‌نمایی، فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی با حالت فاعلی نشان داده می‌شوند و مفعول فعل متعدی، نشانه مفعولی دریافت می‌کند.

نمونه‌های بعدی از زبان باسک هستند (Primus, 2011: 304):

2) aita lan-era joa-n d-a
father[ABS] work-ALL go-PRF 3ABS-PRS
'Father has gone to work.'

3) aita-k ama-ri gona gorri-a eros-i d-io
father-ERG mother-DAT skirt[ABS] red-ABS buy-PRF 3ABS- (PRS)3DAT[3ERG]
'Father bought a red skirt for mother.'

در جمله ۲، فاعل فعل لازم با حالت مطلق^۹ و وابسته جهت با حالت جهت‌نما^{۱۰} نشان داده

شده‌اند و در جمله^۳، حالت مطلق روی گروه اسمی کنش‌پذیر^{۱۱} قرار گرفته و کنشگر یا عامل^{۱۲} با حالت کنایی^{۱۳} نشان داده شده است. موضوع بهره‌پذیر^{۱۴} با حالت برایی نشان داده شده است. نظام حالت‌نمایی جمله^۲ و ۳ که در آن حالت فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی به یک صورت و متفاوت با فاعل فعل متعدی نشان داده می‌شود، نظام حالت‌نمایی کنایی-مطلق^{۱۵} نامیده می‌شود.

دو نظام حالت‌نمایی فاعلی-مفعولی و کنایی-مطلق بیشترین کاربرد را در زبان‌های دنیا دارند و از میان این دو نظام، نظام حالت فاعلی-مفعولی در میان زبان‌های دنیا به مراتب بی‌نشان‌تر از نظام حالت کنایی-مطلق است (راسخ‌مهند و نقشبندی، ۱۳۹۲). این دو نظام در زبان‌های ایرانی نیز پرکاربرد هستند و در جملات ساخته شده با فعل زمان حال، در بسیاری از زبان‌های ایرانی از نظام حالت فاعلی-مفعولی پیروی می‌شود (Windfuhr, 1992).

علاوه بر موضوع‌های اصلی فعل که فاعل و مفعول هستند، فعل ممکن است وابسته‌های دیگری داشته باشد که برای مثال زمان یا مکان را نشان دهند. حالت مکانی^{۱۶} نشان‌دهنده مکان است؛ مانند Istanbul-da (در استانبول) در زبان ترکی. حالت ازی^{۱۷} نشان‌دهنده «از» است؛ مانند Ankara-dan (از آنکارا) در ترکی. حالت اضافی^{۱۸} در عبارتهایی همچون adam-En ev-i (خانه مرد) برای نشان دادن مالکیت به کار می‌رود (Blake, 2004: 2). حالت ندایی^{۱۹} از حالت‌های دیگری است که برای مثال در زبان لاتین و یونانی باستان به کار می‌رود. کاربرد این حالت برای خطاب قرار دادن افراد است. اسم‌های دارای حالت ندایی، برخلاف حالت‌های دیگر نشان‌دهنده رابطه وابسته با هسته نیستند و در جمله به صورت وابسته به کار نمی‌روند؛ بلکه خارج از بندهای اصلی قرار می‌گیرند (Ibid: 10).

کامری دو شیوه حالت‌نمایی خنثی^{۲۰} و سه‌گانه^{۲۱} را برای نشان دادن حالت در زبان‌های جهان مطرح کرده است (Comrie, 1989: 125). دبیر مقدم احتمال منطقی پنجم، یعنی نشان دادن فاعل فعل متعدی و مفعول با نشانه‌ای یکسان و متفاوت با فاعل فعل لازم را در حالت‌نمایی و مطابقت زبان‌های ایرانی نو نشان می‌دهد و آن را نظام دوگانه^{۲۲} می‌نامد (دبیرمقدم: ۲۰۱۲: ۳۱-۶۸).

ویندفور (1992) به حفظ نظام دوحالتی در بیشتر زبان‌های ایرانی اشاره کرده است. او

گویش‌های زازا، برخی گویش‌های کردی، تالشی و تاتی را از جمله زبان‌های دارای نظام دوحالتی دانسته است. این زبان‌ها به‌طور کلی دو حالت مستقیم^{۲۳} و غیر مستقیم^{۲۴} دارند. ویندفور تمایز حالت دیگر را در مورد عبارت‌های خویشاوندی^{۲۵} دانسته که بازمانده تمایز خاص حالت خویشاوندی در زبان‌های پارسی و فارسی میانه است و در تعداد زیادی از زبان‌ها و گویش‌های غربی، از جمله زازا، تالشی و تاتی باقی مانده است.

ادیب طوسی به وجود حالت‌های مختلف اسم در گویش‌های ایرانی نو اشاره کرده است و معتقد است که در بعضی از این زبان‌ها نمونه صرف اسم‌ها دیده می‌شود. به باور او در میان زبان‌های غربی، نمونه صرف اسم در زبان هرزنی و اورامی یافت می‌شود (ادیب طوسی ۱۳۴۸: ۱۹).

یارشاطر (۱۹۶۹) به بررسی نه گونه تاتی مورد تکلم در تاجکستان و مناطق اطراف آن پرداخته است. وی (۱۹۵۹) دو گونه کلوری و شالی از گونه‌های تاتی شاهرود خلخال و گونه تاتی روستای کجَل، از بخش خورش‌رستم خلخال (۱۹۶۰) را نیز بررسی کرده است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌علیپور (۱۳۸۶) جایگاه ضمائر متصل غیر فاعلی (وندهای ضمیری) در ساخت ارگتیو/کنایی گونه‌های تاتی لرد، کرین، درو، کهل و گیلوان از بخش شاهرود و گونه کجَل از بخش خورش‌رستم از توابع شهرستان خلخال را بررسی کرده‌اند. راسخ‌مهند و ایزدی‌فر (۱۳۹۰) نیز پیرامون بررسی مفعول‌نمایی افتراقی در گونه چالی زبان تاتی تحقیق کرده‌اند.

۳. حالت در زبان‌های کهن ایران

در این بخش به مرور نظام حالت در زبان‌های کهن ایران می‌پردازیم.

۳-۱. حالت در زبان‌های ایرانی باستان

در زبان‌های ایرانی دوره باستان نظام حالت بسیار فعال بود و یک اسم یا صفت در حالت‌های مختلف نحوی شکل ویژه‌ای به خود می‌گرفت. در اینجا از گروه زبان‌های ایرانی باستان، دو زبان اوستایی و فارسی باستان را بررسی می‌کنیم. در زبان اوستایی هشت حالت وجود داشت و در این حالت‌های هشت‌گانه، جنس‌ها و شمارهای سه‌گانه با نشانه‌های مختلفی مشخص می‌شدند که به پایان اسم می‌پیوستند و جامد و مشتق بودن، مذکر و مؤنث



بودن و مفرد، مثنی و جمع بودن اسم نیز بر آن‌ها تأثیر می‌گذاشت. در زیر دو نمونه از اوستا، yasna (یسن یا جشن/ مذکر) و daēnā (دین/ مؤنث) را می‌آوریم تا حالت‌های مختلف اسم در این زبان را مشخص کنیم:

جدول ۱ حالت‌های گوناگون اسم در اوستا (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۳۱)

مؤنث	مذکر	
daēn-a	yasn-ō	حالت فاعلی
əm-ndaē	yasn-am	حالت مفعولی
-ayandaē	yasn-a	حالت مفعول بایی
iāaydaēn-	iyasn-ā	حالت مفعول برایی
daēn-ayaṭ	yasn-āṭ	حالت مفعول ازی
daēn-aya	yasn-e	حالت مفعول دری
daēn-ay□	yasn-ahe	حالت اضافی
daēn-e	yasn-a	حالت ندایی

در زبان فارسی باستان چنین حالت‌هایی برای اسم وجود داشت. به صرف اسم martiyā (مرد) توجه کنید:

جدول ۲ حالت‌های گوناگون اسم در فارسی باستان (کنت، ۱۹۵۳: ۶۰)

martiya	فاعلی
martiyam	مفعولی
martiyaibiš	مفعول بایی
martiyānām	اضافی
martiyā	ندایی

نمونه‌های زیر کاربرد حالت‌های یادشده را در جمله نشان می‌دهند:

DB1-36: Pasāva I martiya maguš āha Gaumāta nāma. در حالت فاعلی مفرد مذکر:

(پس از آن مردی مغ بود گنومات نام).

DB3-57 : avam utāšām I martiyam maθištam akunauš. مفعولی مفرد مذکر:

(او مردی را سردار آن‌ها کرده بود).

اضافی مفرد مذکر:

DNa-4:hya šiyātim adā martiyahyā. ([او] که شادی مردم را آفرید).

Dna-56: martiyā hyā Auramazdāhā farmānā hauvtaiy gastā mā-θadaya. ندایی مفرد مذکر:

(ای مرد فرمان اهورامزدا آن به نظر تو ناپسند نیاید).

DB.4-87: tyām imaišām martiyānām taumām uba(r)tām paribarā. اضافی جمع مذکر:

(دودمان این مردان را خوب نگهداری کن).

DB1-56 : adam hadā kamnaibiš martiyaibiš avam...avajanam. مفعول بایی جمع مذکر:

(من با چند مرد او را ... کشتم).

همهٔ حالت‌های مورد استفاده در سانسکریت و اوستا در فارسی باستان نیز وجود دارد به استثنای دو مورد؛ حالت مفعول برایی از دستگاه صرفی زبان خارج شده است و به جای آن از حالت اضافی استفاده شده است و ساخت مفعول ازی که تحول آوایی پیدا کرده، گاه با مفعول بایی و گاه با مفعول دری هماهنگ شده است (Ibid: 57).

۲-۳. حالت در زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه

در زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه حالت‌های مختلف اسم از بین رفته و فقط دو حالت مستقیم و غیر مستقیم باقی مانده است؛ برای نمونه در پارسی مقدم و نیز در فارسی میانه، اسم دو شمار مفرد و جمع و دو حالت مستقیم و غیر مستقیم داشت. حالت مستقیم که بازماندهٔ حالت نهادی باستانی بود، بر نهاد جمله و گاه بر مفعول مستقیم دلالت می‌کرد و حالت غیر مستقیم که بازماندهٔ حالت اضافی باستانی بود، بر مفعول مستقیم و غیر مستقیم، مضاف‌الیه، متمم حرف اضافه و عامل در ساخت مجهول دلالت داشت (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۱ و ۱۵۶). شواهد نشان می‌دهند که همین مقدار تمایز حالت نیز کم‌کم در این دو زبان از بین رفته است؛ به گونه‌ای که در متون مانوی و فارسی میانه و زرتشتی، حالت غیر مستقیم تنها در ضمیر منفصل اول شخص مفرد (غیر مستقیم man، مستقیم az) و اسامی خویشاوندی مختوم به



ar- یافت می‌شود؛ مانند pidar (پدر) و mādar (مادر) (همان).

به نمونه‌های زیر در پارسی (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸: ۵۳) توجه کنید:

4. a) tō ay **pid** (تویی پدر همهٔ این آفرینش. (af 1) čē imīn harwīn karišn. (فاعلی مفرد)
 b) ud nimāyān **pidarān** (و بنمایانم پدران خویش را. (cx 2) xwēbēh. (غیر فاعلی جمع)
 c) hāwsār dwāōis čihrag bāmēn čē pidar (همانند دوازده چهرهٔ درخشان پدر روشنی. (ah 1) rōšn. (غیر فاعلی مفرد)

همانند دوازده چهرهٔ درخشان پدر روشنی.

۴. نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال

زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی است. این زبان در نقاط مختلفی از ایران و خارج از ایران رواج دارد. از آنجا که زبان‌های ایرانی نو ادامهٔ طبیعی زبان‌های دوره‌های میانه و باستان ایران هستند، انتظار می‌رود که نظام حالت آن‌ها با نظام حالت زبان‌های کهن ایران همسو باشد. از حالت‌های هشت‌گانه دورهٔ باستان تنها دو حالت به بیشتر زبان‌های دورهٔ میانه رسیده‌اند که آن‌ها نیز در زبان‌هایی همچون پارسی (به‌عنوان نماینده‌ای از زبان‌های ایرانی شمال غربی) و پهلوی (به‌عنوان نماینده‌ای از زبان‌های ایرانی جنوب غربی) کم‌کم از بین رفته‌اند. به نظر می‌رسد نباید انتظار داشته باشیم که اسم در زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه این حالت‌های مختلف خود را حفظ کرده باشد؛ با این حال نباید این فرض را از ذهن دور نگه داریم که زبان‌هایی همچون تاتی، تالشی، گیلکی و ... بازمانده‌ای از زبان پارسی یا گاه مادی تلقی شده‌اند؛ بنابراین احتمال وجود شکل‌های مختلف اسم در نقش‌های متفاوت دستوری کمتر می‌شود و طبق پیش‌بینی و تحقیق بیشتر پژوهشگران، به دو حالت مستقیم و غیر مستقیم کاهش می‌یابد.

اسم در گونهٔ دروی تاتی سه حالت از حالت‌های مختلف دورهٔ باستان را حفظ کرده است که عبارت‌اند از: ۱. حالت مستقیم؛ ۲. حالت غیر مستقیم شامل حالت مفعول صریح، اضافی، مفعول به‌ای، مفعول ازی، مفعول برایی، مفعول دری و ۳. حالت ندایی. هریک از این حالت‌ها نشان می‌دهد که اسم در جمله از نظر نحوی چه نقشی دارد. برای نشان دادن حالت دستوری در تاتی دروی، نشانهٔ حالت به آخر اسم اضافه می‌شود. حالت‌نمایی در تاتی برای نشان دادن نقش نحوی همهٔ گروه‌های اسمی، از جمله اسم‌های خاص، اسم‌های عام،

ضمایر شخصی و ضمایر ملکی و اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی به کار می‌رود. در ادامه با ارائه مثال‌هایی، نظام حالت‌نمایی در گونه دروی زبان تاتی را بررسی می‌کنیم.

۱-۴. اسم در حالت مستقیم

نظام حالت‌نمایی در گونه دروی در زمان حال از نظام فاعلی-مفعولی و در زمان گذشته از نظام کنایی-مطلق پیروی می‌کند؛ بنابراین در تاتی دروی، نظام کنایی گسسته^{۲۶} وجود دارد. در این گونه زبانی، در جملات دارای زمان حال، فاعل فعل‌های لازم و متعدی و در جملات دارای زمان گذشته، فاعل فعل‌های لازم و مفعول فعل‌های متعدی حالت مستقیم دارند. حالت مستقیم اسم‌های گونه دروی در حالت مفرد، بدون نشانه است و همین خالی از نشانه بودن یک اسم در تاتی خود نشانه وجود حالت مستقیم است. نشانه حالت مستقیم اسم‌های جمع -ə- است که به انتهای آن‌ها اضافه می‌شود. جملات ۵ کاربرد اسم مفرد در حالت مستقیم را نشان می‌دهند:

فاعل فعل لازم در زمان حال:

5. a) **ahad** həsâ šu. احد الان می‌رود.
Ahad:Nom now go:Pres

فاعل فعل متعدی در زمان حال:

b) **ahad** har-ə. احد می‌خورد.
Ahad:Nom eat-Pres

فاعل فعل لازم در زمان گذشته:

c) **ahad** bəše. احد رفت.
Ahad:Abs go:Pst

مفعول فعل متعدی در زمان گذشته:

d) man **ahad** bind. من احد را دیدم.
1sg:Erg Ahad:Abs see:Pst

در جملات مثال ۵، احد به یک حالت ظاهر شده است و حالت مستقیم دارد. با توجه به وجود ساخت کنایی گسسته در گونه دروی، حالت گروه اسمی در نقش فاعل و گروه اسمی در نقش مفعول در جملات دارای زمان گذشته به صورت مستقیم است و بدون نشانه ظاهر



شده است و فاعل فعل متعدی در جملات دارای زمان گذشته با حالت غیر مستقیم نشان داده می‌شود.

جملات ۶ کاربرد اسم‌های جمع دارای حالت مستقیم را نشان می‌دهند:

فاعل فعل لازم در زمان حال:

6. a) **gāv-ə** šundə. گاوها می‌روند.
cow-Plu:Nom go: Pres

فاعل فعل متعدی در زمان حال:

- b) **gāv-ə** vâš har-ənd. گاوها علف می‌خورند.
cow-Plu:Nom grass eat-Pres

فاعل فعل لازم در زمان گذشته:

- c) **gāv-ə** bəšind. گاوها رفتند.
cow-Plu:Abs go: Pst

چنانچه مفعول مستقیم فعل در زمان حال نکره و تعریف نشده باشد، به صورت بدون

نشانه ظاهر می‌شود و حالت فاعلی دارد:

7. a) ama əm jura mavâqe siyâ **xalâv** da-nə-karam.
1pl:Nom this kind times black clothes not wear: Pres

ما در این مواقع لباس سیاه نمی‌پوشیم.

۲-۴. اسم در حالت غیر مستقیم

اسم تاتی در نقش مفعول فعل‌های متعدی در جملات دارای زمان حال، فاعل فعل‌های متعدی در جملات دارای زمان گذشته و مفعول غیر مستقیم در جملات دارای زمان حال (از جمله مفعول ازی، مفعولی دری، مفعول برایی)، با حالت غیر مستقیم نشان داده می‌شود. نشانه حالت غیر مستقیم اسم مفرد در تاتی ʔ- است که به صورت پسوند به انتهای اسم می‌پیوندد. اگر اسم مفرد مختوم به همخوان باشد، نشانه غیر مستقیم ظاهر نمی‌شود. نشانه غیر مستقیم اسم‌های جمع در تاتی ʔn- است. جملات مثال ۸ کاربرد نشانه غیر فاعلی در تاتی را نشان می‌دهند:

- مفعول فعل متعدی در زمان حال:
8. a) az **gâv-ə** vin-əm. من گاو را می بینم.
1sg:Nom cow-Acc see-Pst
- b) a əsbiy **divâr-ə** kasif âmaka. آن دیوار سفید را کثیف نکن.
that white wall-Acc dirty don't
فاعل فعل متعدی در زمان گذشته:
- c) **ahad-ə** a-š bind. احد او را دید.
Ahad-Erg 3sg:Abs-CLt see:Pst
مفعول به ای در زمان حال:
- d) âdam **rəzâ** tə-râ bârə. به رضا می دهم تا برای تو بیاورد.
bring give:Pres Rezâ:Obl 2sg-Obl
مفعول برایی در زمان گذشته:
- e) əm šay-əm **ahad-ə** râ egata bə. این پیراهن را برای احد گرفته بودم.
this shirt-CLt Ahad-Obl for take:Pst
مفعول بایی در زمان گذشته:
- f) zeynab **ahad-ə** na bəše raz. زینب با احد به باغ رفت.
Zeynab:Abs Ahad-Obl with go:Pst garden
مفعول ازی در زمان گذشته:
- g) avə **ahad-ə** ku kitâv-əš egat. او کتاب را از احد گرفت.
3sg:Erg Ahad-Obl from book-CLt take:Pst
- h) əmân-əm **raz-ə** ku barkard. آن‌ها را از باغ بیرون کردم.
3Pl-CLt garden-Obl from force out:Pst
در ساخت اضافی در زمان گذشته:
- i) **ahad-ə** das yara âbə. دست احد زخمی شد.
Ahad-Gen hand hurt become: Pst
- j) **raz-ə** mivayə kərâ xarâv bun. میوه‌های باغ دارند خراب می‌شوند.
garden-Gen fruits Cont rotten become: Pres



مفعول جمع فعل متعدی در زمان گذشته:

احد گاوها را زد. k) ahad-ə **gāv-ān** bəza.

Ahad-Erg cow-Plu:Obl hit-Pst.

در مثال ۸- الف، rezâ مختوم به همخوان است و نشانهٔ حالت‌نما به آن اضافه نشده است و در مثال ۸- ز کلمهٔ gāv-ān باید با حالت مستقیم، یعنی به صورت gāv-ə ظاهر می‌شد؛ اما به علت سست شدن نظام کنایی، با حالت غیر مستقیم آمده است (نک: سبزه‌علیپور، ۱۳۹۲).

۳-۴. اسم در حالت ندایی

اگر اسم تاتی نقش منادا داشته باشد، با حالت ندایی نشان داده می‌شود. نشانهٔ حالت‌نمای ندایی در زبان تاتی e- است که به آخر اسم می‌پیوندد. اگر اسم مختوم به همخوان باشد، بیشتر از واج میانجی -[y]- استفاده می‌شود:

9. a) hassan-e təlâqâli yâ bu. حسنا (ای حسن)، کمی اینجا بیا!
Hassan-Voc a little here come!

b) zeynab-e kâriš? زینبا (ای زینب)، کجایی؟
Zeynab-Voc where are you?

c) ali-y-e âgard bu ka! علیا (ای علی)، برگرد بیا خانه!
Ali-Voc return come home!

۴-۴. ضمایر اشاره

ضمایر اشاره از مواردی هستند که در تاتی نشانهٔ حالت‌نما دارند و به حالت‌های مختلف ظاهر می‌شوند. ضمایر اشاره برای اشاره به نزدیک و دور به کار می‌روند و هریک دو شکل مفرد و جمع دارند.

زمانی که ضمیر اشارهٔ نزدیک مفرد در جمله نقش‌های مختلف داشته باشد، مانند اسم نشانهٔ حالت مستقیم و غیر مستقیم به آن اضافه می‌شود. علامت ضمیر اشارهٔ جمع تاتی در حالت مستقیم، مانند اسم، ə- است؛ اما در حالت غیر فاعلی حالت‌نمای ān- به آن اضافه می‌شود: ضمیر اشارهٔ نزدیک مفرد در زمان گذشته در حالت مستقیم:

10. a) əm bə-ʃe. این رفت.
 this:Abs go:Pst
- b) man əm bəvard. من این را بردم.
 1sg:Erg this:Abs take:Pst
 ضمیر اشاره نزدیک مفرد در زمان گذشته در حالت غیر مستقیم:
- c) əm-ə man bəza. این من را زد.
 this:Erg 1sg:Obl hit: Pst
 ضمیر اشاره نزدیک جمع در زمان حال در حالت مستقیم:
- d) əm-ə ʃund ka. این‌ها به خانه می‌روند.
 this-Pl: Nom go: Pres home
 ضمیر اشاره نزدیک جمع در زمان حال در حالت غیر مستقیم:
- e) əm-ân bəva ka. این‌ها را به خانه ببر.
 this-Pl: Acc take: Pres home

شکل مفرد ضمیر اشاره دور در تاتی دروی، در حالت مستقیم a (آن/ او) و در حالت غیر مستقیم avə است. ضمیر اشاره به دور جمع تاتی در حالت مستقیم avə و در حالت غیر مستقیم avân است:

حالت مستقیم در زمان حال:

11. a) avə ʃund ka. آن‌ها به خانه می‌روند.
 those: Nom go: Pres house
 حالت غیر مستقیم در زمان حال:
- b) avân bəva ka. آن‌ها را به خانه ببر.
 those: Acc take: Pres house
 حالت مستقیم ضمیر اشاره دور مفرد در زمان گذشته:
- c) a bəʃe. آن/ او رفت.
 that: Abs go:Pst
- d) man a bəza. من او را زدم.
 1sg:Erg that: Abs hit:Pst
 حالت غیر مستقیم ضمیر اشاره دور در زمان گذشته:
- e) avə man bəza. آن/ او مرا زد.
 that: Erg 1sg:Obl hit: Pst



۴-۵. ضمیر ملکی

ضمیر ملکی مورد استفاده در ساخت اضافی تاتی دروی در نقش‌های متفاوت نحوی با دو حالت مستقیم (نشانه صفر) و غیر مستقیم (نشانه e -) نشان داده می‌شود. مثال‌های ۱۲ کاربرد این ضمیر را در این دو حالت نشان می‌دهند:

حالت مستقیم در زمان گذشته:

- 12 . a) **čəmankən** gin âbe. مال من گم شد.
1sg:Gen:Dir lose:Pst
- b) **čamakən** če bəbə? مال ما چه شد؟
1Pl:Gen:Dir what become: Pst
- c) avə **čəmankən** pegat. او مال من را برداشت.
1sg:ERG 1sg:Gen:Dir take:Pst
- حالت غیر مستقیم در زمان حال:
- d) **cəmankən-e** pegir. مال من را بردار.
1Sg:Gen-Obl take:Pres
- حالت غیر مستقیم در زمان گذشته:
- e) **čamakən-e** ku-š pegat. از مال ما برداشت.
1Pl:Gen-Obl from-Clf take:Pst
- f) **šəmakən-e** na-mân bəvyand bəšə. با مال شما فرستادیم رفت.
2Pl:Gen-Obl with-Clf send:Pst go:Pst

۴-۶. ضمایر شخصی

ضمایر شخصی در تاتی دروی، در نقش‌های مختلف، حالت‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. در جدول ۳ ضمایر شخصی تاتی را نشان داده‌ایم:

جدول ۳ ضمایر شخصی تاتی خلخال

حالت / شخص	من	تو	او	ما	شما	ایشان
مستقیم	az	tə	a	ama	šəma	avə
م. صریح / به‌ای	man	tə	avə	ama	šəma	avân
اضافی	čəman	ətšə	ča	čama	šəma	čəmân
مفعول برایی	ma-râ	tə-râ	ča-râ	čama-râ	šəma-râ	čəmân-râ
مفعول ازی	čəman-ku	tə-ku	ča-ku	čama-ku	šəma-ku	čəmân-ku
مفعول بایی	čəman-na	tə-na	ča-na	čama-na	šəma-na	čəmân-na

در مثال‌های ۱۳ کاربرد ضمایر تاتی را در نقش‌های مختلف نشان داده‌ایم:

13. a) **az** bəšim **ča** dum da. من به دنبال او رفتم.

1sg: Abs go: Pst 3sg: Poss follow in

b) **ama** xâymân kitâv-ə **čəmân** das âdayam.

1Pl: Erg want: Pst book: Acc 3Pl: Poss hand give: Pres

ما خواستیم کتاب را به دست آن‌ها برسانیم.

c) **man** bind **avə** **avə** zanənd. من دیدم آن‌ها او را می‌زنند.

1sg: Erg see: Pst 3Pl: Nom 3Sg: Acc hit: Pres

d) **man** bind **avân** **a** bəza. من دیدم آن‌ها او را زدند.

1sg: Erg see: Pst 3Pl: Erg 3Sg: Abs hit: Pst

۴-۷. اسم‌های نشان‌دهنده ارتباط خانوادگی

در تاتی دروی اسم‌هایی که نشان‌دهنده ارتباط خانوادگی هستند، به دو حالت مستقیم و غیر مستقیم ظاهر می‌شوند. در حالت مستقیم، اسم بدون تکواژ صرفی است و در حالت غیر مستقیم، تکواژ -I یا -aI به آخر اسم اضافه می‌شود. تکواژ -I به اسم‌های مختوم به واژه *â* اضافه می‌شود. حالت‌های اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی را در جدول ۴ نشان داده‌ایم:



جدول ۴ حالت‌های مختلف اشاره به روابط خانوادگی در تاتی دروی

اسم	غیر مستقیم	مستقیم
خواهر	xâv-ar	xâv
شوهر	šu-ar	uš
زن	zen-ar	zen
دختر	dət-ar	dət
پدر	pi-ar	pe
مادر	mâ-r	mâ
برادر	bərâ-r	bərâ
پسر	zâ-r	zâ

در مثال‌های ۱۴ اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی در نقش‌های مختلف به کار رفته‌اند:
حالت غیر مستقیم در زمان حال:

14- a) a əʃtan **zâ-r** zanə. او پسرش را می‌زند.

3sg:Nom his own son-Obl hit:Pres

b) ətanš **zen-ar** kərâ vâre ka. او دارد زنتش را به خانه می‌آورد.
his own wife-Obl Cont bring: Pres home

حالت مستقیم در زمان گذشته:

c) čəman **mâ** bəše. مادرم رفت.

1sg:Gen mother: Dir go: Pst

d) šəma čəman **pe** nə-vind? شما پدرم را ندیدید؟

2Pl:Erg 1sg:Gen father:Dir not-see:Pst

حالت غیر مستقیم در زمان گذشته:

e) ča **xâv-ar** pirârsâl mar bəkard.

3sg:Gen sister-Obl 2 years ago marry do:Pst

خواهر او دو سال پیش ازدواج کرد.

f) tə č əman **šu-ar** na sarbâz biš.

2sg:Abs 1sg:Gen husband-Obl with soldier be:Pst

تو با شوهرم سرباز بودی.

g) hassan-ə **mâr** ku nânə-mân egata bə.

Hassan-Gen mother:Obl from bread-Cl take:Pst had

از مادر حسن نان گرفته بودیم.

h) a pâršâl əštan bə-râ-r na bəše ša:r.
3sg:Abs last year his own brother-Obl with go:Pst city

او پارسال با برادرش به شهر رفت.

i) avân ča pi-ar râ-šân payâm âdâ
3Pl:Erg 3sg:Gen father:Obl for-Cl message send:Pst

برای پدرش پیغام فرستادند.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش کنونی که به بررسی نظام حالت‌نمایی در گونهٔ دروی زبان تاتی اختصاص دارد، نشان دادیم که با وجود مهاجرت‌های زیاد گویشوران این منطقه به مناطق دیگر و تماس زبانی زیاد با زبان‌های دیگر، این گونهٔ تاتی هنوز نظام حالت‌نمایی دوره‌های پیشین زبان‌های ایرانی را تا حد زیادی حفظ کرده است. پرسش پژوهش این بود که گونهٔ دروی (Dərav-i) زبان تاتی از چه روشی برای نشان دادن رابطهٔ نحوی میان عناصر جمله استفاده می‌کند؟ با بررسی ساختار جملات دارای زمان‌های مختلف در این گونهٔ زبانی، به این نتیجه رسیدیم که گونهٔ دروی تا حد زیادی از هجوم زبان‌های دیگر در امان مانده و بسیاری از ویژگی‌های کهن زبان‌های ایرانی، از جمله نظام حالت‌نمایی متمایز براساس زمان دستوری فعل را حفظ کرده است و از نظام حالت‌نمایی کنایی گسسته^{۳۷} زمان‌محور برای نشان دادن نقش عناصر نحوی درون جمله بهره می‌برد.

۶. پی‌نوشت‌ها

۱. از آقایان فردوس یزدان‌پناه و حسن واحدپرست، گویشوران تاتی گونهٔ دروی و سرکار خانم مریم واحدی، گویشور تاتی گونهٔ شالی که در جمع‌آوری داده‌های زبانی این مقاله، ما را یاری کرده‌اند، بسیار سپاسگزاریم.

2. case marking
3. agreement patterns
4. positions of the NP
5. accusative
6. dative



7. nominative
8. nominative-accusative case marking
9. absolutive
10. directional
11. patient
12. agent
13. ergative
14. benefactive
15. ergative-absolutive case marking
16. locative
17. ablative
18. genitive
19. vocative
20. neutral case marking
21. tripartite case marking
22. bipartite system
23. direct case
24. oblique case
25. kinship terms
26. split ergativity
27. split ergativity

۷. منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳). *دستور تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ادیب طوسی، محمدمین (۱۳۴۸). «بحثی در تطور گویش‌های ایرانی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. س ۲۱. ش ۱. صص ۹-۲۴.
- راسخ‌مهند، محمد و راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۰). «تأثیر معرفگی بر نشانه مفعولی در زبان‌های تاتی، تالشی و بلوچی». *مجله جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. د ۲. ش ۱. صص ۲۱-۴۱.
- راسخ‌مهند، محمد و زانیار نقشبندی (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل کلامی بر تعیین نوع الگوی حالت در گویش هورامی». *مجله جستارهای زبانی*. دوره ۴، ش ۴. صص ۸۷-۱۰۹.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهاندوست سبزه‌علیپور (۱۳۸۶). «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال». *فصلنامه ادب‌پژوهی*. س ۱. ش ۱. صص ۸۹-۱۰۵.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: مرکز دایره‌المعارف

بزرگ اسلامی.

- ----- (۱۳۸۹). «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال». *فصلنامه ادب‌پژوهی*. صص ۱۰۹-۱۳۰.
- سبزعلی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی*. پایان‌نامه دکتري رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه گیلان.
- ----- (۱۳۹۲). «شکل‌های فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. دوره ۳. ش ۵. صص ۱۶۷-۱۸۲.

Reference:

- Abolghasemi, M. (1996). *A Historical Grammar of Persian Language*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Adib Tusi, M. A. (1969). "A discussion about the revolution of Iranian Dialects". *Journal of Faculty of Literature and Humanities of Tabriz University*. Vol. 21. No.1. pp. 9-24 [In Persian].
- Blake, Barry J. (2004). *Case*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. Chicago: University of Chicago Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2012). "Linguistic typology: An Iranian perspective". In *Journal of Universal Language*. Vol. 13. pp. 31-70.
- Haig, G. (2010). "Alignment". In *The Continuum Companion to Historical Linguistics*. Ed. Silvia Luraghi and Vit Bubenik. pp. 250-268. London and New York: Continuum International Publishing.
- Kent, R. (1953). *Old Persian*. Tehran: Tahuri.
- Primus, B. (2011). "Case-marking typology". In *The Oxford Handbook of Linguistic Typology*. Ed. By: Jae Jung Song. New York: Oxford University Press. pp. 303- 321.



- Rasekh Mahand, M. & R. IzadiFar (2011). "Definiteness and object marking in Tati, Taleshi and Baluchi". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature Research)*. Vol. 2. No.1. pp. 21-41 [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. & Z. Naghshbandi (2014). "The effect of discourse factors on case system in Hawrami". *Journal of Language Related Research*. Vol. 4. No. 4 (Tome 16). pp. 87-109 [In Persian].
- Rezai Baghbidi, H. (2009). *History of Iranian Languages*. Tehran: Center for Great Encyclopedia of Islam [In Persian].
- Rezayati KischeKhale, M. & J. Sabzalipur (2007). "Ergative construction in Tāti dialect of Khalkhāl". *AdabPazhuhi Quarterly Journal*. Vol. 1. No. 1. pp. 89-105 [In Persian].
- Sabzalipur, J. (2010). "Tāleshi indications in Tāti districts of Khalkhāl". *Adab Pazhuhi Quarterly Journal*. Vol. 4. No. 13. pp. 109-130 [In Persian].
- ----- (2013). "The forms of ergative sediments in Tati, Taleshi and Guilaki languages". *The Journal of Comparative Linguistic Researches*. Vol. 3. No. 5. pp. 167-182 [In Persian].
- ----- (2009). *A Comparative Study of Verb Structure in Tati, Taleshi and Guilaki*. Ph.D. Dissertation in Persian Language and Literature. Guilan University [In Persian].
- Windfuhr, Gernot (1992). "Case". In *Encyclopædia Iranica*. California: Mazda Vol. V. pp. 25 - 37.
- Yarshater, E. (1959). "The Dialect of Shāhrud (khalkhāl)". *BSOAS*. pp. 52-58.
- ----- (1960). "The Tāti Dialect of kajal". *BSOAS*. pp. 275 - 286.
- ----- (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*. The Hague: Mouton.

۸. ضمیمه

کوتاه‌نوشته‌های مورد استفاده در آوانگاری‌ها:

Abs	absolutive	مطلق
Acc	accusative	مفعولی
Clit	clitic	واژه‌بست
Cont	continuous	مستمر
Dir	direct	مستقیم
Erg	ergative	کنایی
Gen	genitive	اضافی
Nom	nominative	فاعلی
Obl	oblique	غیر فاعلی
Pl	plural	جمع
Poss	possessive	ضمیر ملکی
Pres	present	حال
Pst	past	گذشته
Sg	singular	مفرد
Voc	vocative	ندایی